

الفبای زبان گُردی دارای ۲۹ حرف صامت و ۸ حرف مصوت می‌باشد که در ترکیب کلمات همدیگر را همراهی می‌کنند و اساسا حروف صامت بدون کمک حروف مصوت قابل ادا نمی‌باشد و زنجیره‌وار در تشکیل کلمات از وجود هم بهره می‌جویند. لذا یادگیری زبان آموزان عزیز با حروف بیصدا و صدا دار پایه و ریشه یادگیری محسوب می‌شود.
الف) حروف صامت (بیتهنگ) (Consonants):
ئ - ب - پ - ت - چ - ج - خ - د - ر - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - ل - م - ن - و - ه - ی
ب) حروف مصوت (دهنگدار) (Vowels):
۱) ای (ی) ۲) او (و کوتاه یا کورت)

۴) او (وو کشیده یا درنژ) ۵) ه - ه (کسره) ۶) ی (کسره) ۷) و (ضمه) ۸) بزؤکه
توجه: حروف مصوت هیچ‌گاه در آغاز کلمه قرار نمی‌گیرند.
(گُردی مار - زانا - نیشاپه - داو
فارسی مار - دانا - اشاره - دام
۲) گُردی دین - نهمیر - پیر
فارسی دین - امیر - پیر
۳) مصوت (ه - ه): این حرف صدا دار در فارسی با علامت فتحه نوشته می‌شود.
گُردی سَرد - مَهرد - وه‌فا - که‌ره‌م - سه‌هَهر
فارسی سَرد - مَرد - وُفا - گَرم - سَحر

است که این نوع یقین را نمی‌شود یقین به معنای واقع کلمه نامید و بهتر است آن را نوعی جزمیت خوانیم، چرا که یقین مطاع گران بها و کم پایی است که به آسانی نمی‌توان ادعا کرد: «به خورشید رسیدیم و غبار آخر شد».
قانون به ظن و یقین بستگی ندارد و در آن از یقین به واقعیت پلی زده نمی‌شود. پروسه قانون سازی را می‌توان در تئوری آخر یافت. این تئوری بر این دیدگاه است که تنها مرجع و منبع محقی که می‌تواند آزادی آدمی را محدود کند، رضایت و توافق عامه است و لا غیر. این سخن مفاد نظریه قرارداد اجتماعی روسو و مبنای جامعه مدنی است. این اندیشه می‌گوید، شما آن هنگام مجازید حقی را از من بستانید که من و شما در تعریف حقوق و مشارکت یکسانی کرده باشیم و این تعریف بر اساس توافق و رضایت عامه به دست آمده باشد و نه بر پایه ظن و یقین و یا

هوا و هوس. حال آنکه چگونه می‌شود این توافق در رضایت عامه به دست آید بحث دیگری است و در این مقال نمی‌گنجد لذا تنها همین تئوری پسین است که با نقد و جرح و تعدیل می‌تواند مبنای قانون عادلانه و منع عادلانه پاره ای از حقوق باشد و همان گونه که بیان نمودیم، قانون عادلانه قانونی است که مجوز منع و نهی داشته باشد و این مهم آنگاه به عرصه ظهور خواهد رسید که مسبق به توافق و رضایت عامه باشد و در این صورت است که آدمیان در یک داد و ستد حقوقی پاره ای از آزادی هایشان را می‌دهند تا پاره ای دیگر بستانند و در سایه آن، نظم و امنیت و مصلحت همگان را همه سبب و تحصیل کنند معنای جامعه مدنی هم همین است.

همین باوشی



ردیف	گُردی	گُردی لاتین	فارسی
1	ئ	-	-
2	ب	B	ب
3	پ	P	پ
4	ت	T	ط . ت
5	چ	C	چ
6	ج	Ç	چ
7	ح	H	ح
8	خ	X	خ
9	د	D	د
10	ر	R	ر
11	د	Ř	-
12	ز	Z	ذ.ز.ض.ظ
13	ژ	J	ژ
14	س	S	ث.س.ص
15	ش	Ṣ	ش

ردیف	گُردی	گُردی لاتین	فارسی
16	ع	Ė	ع
17	غ	Ǧ	غ
18	ف	F	ف
19	ق	V	-
20	ق	Q	ق
21	ک	K	ک
22	م	G	م
23	ل	L	ل
24	ل	Ľ	-
25	م	M	م
26	ن	N	ن
27	و	W	و
28	ه	H	ه
29	ی	Y	ی